

ادبیات جانبازی

دردهای خیالی جانبازان

دکتر مجتبی
رحماندوست

جانباز و نویسنده

جنگ‌ها از نقاط حیاتی و نقاط عطف یک امت است. اگر درست به آن پرداخته شود «وجود» و اگر درست پرداخت نشود «عدم» است. در بحث ادبیات جنگ، قالب و فرم ماندگارترین نوع برای جانداختن و جاودانه کردن جانباز و رزمنده و شهید

در ادبیات جنگ است. ادبیات هنر مخصوصا رمان و داستان، بهترین قالب برای انتخاب و نوشتن درباره جنگ است. اگر داستان و رمانی از اینها باقی نماند، در آینده موضوع را برعکس می‌بینند. البته که بحث تاریخ شفاهی و خاطرات شفاهی پدید آمده است اما رمان‌ها به دلیل جاذبه زیاد، بهتر خوانده می‌شوند و در اذهان بهتر ماندگار می‌شود.

اگر یک نگاه اولیه به رمان داشته باشیم متوجه می‌شویم که به ساختار و محتوا تقسیم می‌شود. موفق‌ترین رمان‌ها آنهایی هستند که امیدبخش بوده‌اند. محتوای آنها مناسب و متناسب با نویسنده است که به خواننده منتقل شود. همجنس بودن نویسنده با داستان بحث مهمی است. اگر این اتفاق نیفتد، داستان مصنوعی می‌شود. مثلا تصور کنید یک ثروتمند درباره فقیران داستان بنویسد یا برعکس آنجا نویسنده و محتوای داستان یکسان نیستند. محتوای خوب و اثرگذاری را به مخاطب ارائه نمی‌دهند اما اگر یک ورشکسته درباره علل ورشکستگی و این جور مسائل بنویسد، بسیار موفق خواهد بود.

اگر قرار است آثار ادبی هنری درباره جانبازان خلق شود، باید کسی آن را بنویسد که به خوبی شرایط زندگی یک جانباز را درک کرده باشد.

جانبازان دردهایی با نام درد خیالی یا فانتومیک دارند؛ یعنی عضوی که قطع شده درد می‌گیرد، جایی که دیگر وجود ندارد! به حدی که چهار روز باید از شدت درد فریاد بکشد. نویسنده‌ای که این شرایط را درک نکرده باشد نمی‌تواند اینها را به تصویر بکشد. کتاب «بازگشت از آسمان» را من نوشتم آن هم زمانی که در آلمان در بیمارستان بستری بودم. به صورت روزانه خاطراتم را می‌نوشتیم. این کتاب مصداق واقعی یک جانباز است.

احساسات هر جانباز با توجه به شرایط خاص جسمی او درک می‌شود. به جز احساسات جسمی که در بین جانبازان وجود دارد، فقدان‌های عاطفی نیز برای آنها آزاردهنده است. مثلا جانبازی که دست ندارد، نمی‌تواند فرزندش را در آغوش بکشد. علاوه بر این دردها فقدان‌های روحی هم وجود دارد. برخی اوقات مسائل روحی، عرفانی و معنوی که پدید می‌آید اگر اینها در آثار نویسندگان خودش را نشان ندهد، جزو آفات به حساب می‌آید.

باید رمان‌هایی نوشته شود که گره‌های روحی جانباز را کشف کند، تا وقتی که جانبازی خواننده کتاب است با آن همذات‌پنداری داشته باشد و سرنوشت مشابهی از او به تصویر بکشد. جانبازان باید در اجتماع حضور فیزیکی داشته باشند.

باید شرایط محیطی برای آنها مهیا شود. حضور در اجتماع باید برای اینها حل‌وفصل شود. کشور مادر خلق آثار ادبی و هنری بسیار خوب کار کرده در شرایط فعلی با توجه به منطقه درگیر جنگ است. دست ما برای تولید آثار خوب در کشور بسیار باز است. تا اینجا کار هم موفق بوده‌ایم. تعداد کسانی که قلم به دست گرفتند و نوشتند اصلا قابل چشم‌پوشی نیست. ❏

نقش نویسندگان جانباز و ایثارگر در پیشبرد ادبیات دفاع مقدس بررسی شد

نویسندگان و محققان غربی زانو زدند!

به گزارش قفسه کتاب، نشست «بررسی نقش نویسندگان جانباز و ایثارگر در پیشبرد ادبیات دفاع مقدس» با حضور گلعلی بابایی، مجتبی رحماندوست و حمید داوودآبادی در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

حمید داوودآبادی، رزمنده و نویسنده دفاع مقدس

❏ کاش هیچ وقت جانباز نشوید

حمید داوودآبادی با اشاره به این‌که بعد از هر جنگ، چند مورد در آن کشور درگیر جنگ رشد می‌کند، یکی از آنها ادبیات است، گفت: هر کشوری با توجه به موقعیت خودش درگیر جنگ می‌شود. این تجربه اندوختن از جنگ می‌تواند از درگیر شدن نسل آینده و تکرار اشتباه جلوگیری کند. در سال ۱۳۷۰ رهبر معظم انقلاب نکته‌ای را فرمودند و گفتند: «البته کاش هیچ وقت جانباز نشوید.» حقیقتا درک کردن شرایط یک جانباز سخت است. شهید محمودوند همیشه می‌گفت پاشنه پای من درد می‌کند، در صورتی که این شهید پا نداشت. پایش در جنگ قطع شده بود.

❏ لزوم تشکیل کارگاه‌های انتقال تجربه

وی افزود: در مقطعی و بنا بر تأکید رهبر انقلاب، درباره جانبازان آثاری تولید شد. نویسندگان لایحی هم در بین گروه نویسندگان داشتیم که قلم خوبی داشتند اما بهتر این بود که همان جانبازان را تربیت می‌کردیم تا بتوانند بنویسند چرا که بهتر و دقیق‌تر می‌توانستند شرایط خود را به تصویر بکشند. پس از مدتی کارگاه‌های انتقال تجربه شکل گرفت که کار بسیار خوبی بود؛ مثلاً از من دعوت می‌کردند و می‌گفتند خاطرات جنگ را تعریف کن. این کارگاه‌های انتقال تجربه برای نویسندگان ما آورده‌های خیلی خوبی داشت.

❏ هرکس در جبهه بوده حتما شیمیایی شده است

داوودآبادی اظهار کرد: متأسفانه بعد از جنگ جانبازان قطع‌عضو فقط جزو جانبازان بنیاد شهید و ایثارگران حساب می‌کردند و جانبازان شیمیایی و اعصاب و روان جزو جانبازان محسوب نمی‌شدند. پس از گذشت زمانی گفتند هرکس در جبهه بوده حتما جانباز شیمیایی شده است. از آن به بعد جانبازان شیمیایی را هم با درصد‌های مختلف جانباز حساب می‌کردند.

❏ باید قدر بدانیم

داوودآبادی با اشاره به این‌که برای نویسنده شدن ما خیلی خون هاریخته شده و هزینه‌های زیادی شده است، گفت: اگر اینها نبود ما به اینجا نرسیده بودیم. باید قدر بدانیم. اولین کتاب‌ها در حوزه جنگ در سال ۱۳۶۹ منتشر شد، دقیقا در زمانی که جنگ پایان یافته بود و داغ جنگ هنوز احساس می‌شد. در آن زمان نویسندگان نوا که رزمنده‌های انقلاب بودند همچون داوود امیریان، رحیم مخدومی و خود من

کتاب‌هایی را نوشتیم. پس از آن و در سال ۱۳۷۰ رهبر انقلاب برای حدود ۲۰ کتاب از این‌ها تقریظ نوشتند و خواستند منتشر نشود و گفتند اینها محرمانه است. در سال ۱۳۷۸ فرانسوی‌ها



جنگ تمام شده بود؛ پس از آن در سال ۱۳۶۸ دفتر ادبیات پایداری تشکیل شد. یک سری آدم‌ها وارد دنیای ادبیات جنگ شدند که تا آن زمان فکر نمی‌کردند بتوانند بنویسند. خود من در زمان جنگ خاطرات روزانه می‌نوشتیم. روزی از طرف همان دفتر ادبیات آمدند و دفترچه من را گرفتند و تایپ کردند. به من گفتند می‌خواهیم آن را منتشر کنیم که نتیجه‌اش شد کتاب «نقطه‌رهایی».

❏ جانبازان و توانایی بالقوه برای نوشتن

وی افزود: در این سال‌ها و در تمام کارهایی که انجام شده، نشان داده شده که همان رزمندگان و جانبازان توانایی بالقوه برای نوشتن داشتند. البته تشویقات رهبری هم بی‌اثر نبود. آمار بالای کتاب‌ها حدود ۲۵ هزار عنوان است که نشان‌دهنده این است که ورود این جانبازان بی‌تأثیر نبوده است اما همچنان اثر درخوری برای این بزرگواران وجود ندارد.

❏ راوین اصلی «زمین‌های مسلح» جانبازند

گلعلی بابایی درباره کتاب «زمین‌های مسلح» گفت: چند تا از راوین اصلی این کتاب جانباز هستند و چند تا از راوین اصلی که حدود ۶۰ درصد را تشکیل می‌دهند، شهید شدند. برای همین است که این وقایع حلاوت و شیرینی دارد و ملموس هستند. شهید ابوالفضل سپهر فردی است که شاعر بود و با تنهایی شناخته شد و قایق را شرح می‌داد بیشتر هم جانبازان اعصاب و روان و شیمیایی می‌پرداخت. نوشتن از جانبازان اعصاب و روان یک فرضیه است. باید مشکلات اینها را بیشتر بیان کنیم و به جامعه انتقال دهیم. ما هنوز برای جانبازان اعصاب و روان شیمیایی اثر خاص و فاخری نداریم.

❏ اهمیت اقتباس

گلعلی بابایی در ادامه گفت: روند پرداختن به روایت‌های جانبازان روانی مستمر و ادامه‌دار است که مدت‌ها مغفول مانده است. انتظار من این است که با توجه به شعاع کم مخاطبان مکتوبات، بی‌توجهی اصحاب هنر به آثار و اقتباس توجه ویژه‌ای شود. اگر اتفاقی افتاد مردم بیشتر با این موضوع آشنا می‌شوند. فیلم «از کرخه تا راین» را نگاه کنید جزو موفق‌ترین آثاری است که بین مخاطبان وجود داشته و اثرگذار بوده است. اگر بحث اقتباس پیگیری شود انسجام بهتری بین مخاطبان و مکتوبات و تاریخ شفاهی شکل می‌گیرد.



به ایران آمدند و برای همان کتاب‌ها درخواست ترجمه داشتند. آنها می‌خواستند روی آن کتاب‌ها تحقیق کنند اما در کشور ما ۲۵ سال بعد از همان تقریظ‌ها رونمایی شد. در فاصله این ۲۵ سال محققان غربی آمدند و روی همان کتاب‌ها تحقیق و پژوهش کردند.

❏ یاد از ابوالفضل سپهر

داوودآبادی افزود: کتاب «مردی که در ذهنش راه می‌رفت» در ایران ترجمه شده است؛ کتاب بسیار خوبی است که درباره یک جانباز قطع‌نخاع است و خاطرات روزانه‌اش را نوشته اما در بین آثار تألیفی هیچ چیزی نداریم حتی از خانواده‌های‌شان هم پیگیری صورت نگرفته است. جالب است بدانید که من واگویی‌های یک جانباز اعصاب و روان را خیلی اتفاقی ضبط کردم که نتیجه‌اش اشعار ابوالفضل سپهر شد. این جانباز اعصاب و روان ۴۵ دقیقه مدام در حملات صحبت می‌کند و دقایق نهایی عملیات والفجر ۵ را بازگو می‌کند.

❏ نویسندگان و محققان غربی زانو زدند!

داوودآبادی افزود: شرایط خوب است. در سال ۱۳۷۷ نویسندگان و محققان غربی در برابر نویسندگان نوپای ایرانی مانند رحیم مخدومی و داوود امیریان زانو زدند و غبطه می‌خوردند. این نشان‌دهنده آن است که این آثار اثرگذاری خودش را داشته است. بزرگ‌ترین کتابخانه دفاع مقدس ما در غرب تشکیل شده و دشمن دارد روی اینها کار می‌کند. اگر ما بخواهیم به منبع اصلی آن دسترسی داشته باشیم، باید به غرب سفر کنیم. خوب است اگر مسئولین ما اینها را جدی بگیرند. چرا دانشجویان ما باید منابع روایتی دفاع مقدس را به قلم ادوارد براون بخوانند؟ زمان جنگ ۸۵ درصد دانشجویان عراقی که در خارج از کشور عراق ساکن بودند و تحصیل می‌کردند موظف بودند پایان‌نامه‌های‌شان را با موضوع جنگ ایران و عراق انتخاب کنند. در ایران چه اتفاقی افتاد؟ خود صدام استاد نویسندگی استخدام کرد تا به او داستان نویسی یاد بدهد که سه رمان درباره جنگ ایران و عراق نوشت.

سردار گلعلی بابایی، نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس

❏ در زمان جنگ، خاطرات روزانه می‌نوشتیم

سردار گلعلی بابایی، نویسنده حوزه دفاع مقدس گفت: ادبیات جنگ مانند عرصه نبرد است. زمانی که در سال ۱۳۵۹ عراق در غافلگیری مطلق حمله کرد تا زمانی یک‌هفته تازی داشت که مردم وارد جنگ نشده بودند. پس از ورود مردم، دشمن زمینگیر شده و عقب‌نشینی کرد. این اتفاق تا آخر جنگ ادامه داشت و هر زمان که مردم وارد جنگ شدند، ما پیروز شدیم. عرصه ادبیات هم همین است. در سال ۱۳۶۷